خبر

آغاز بلیت فروشی جشنواره تئاتر فجر

«گیشه۷» به‌عنوان سامانه فروش بلیت چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر معرفی شد.

با نزدیک شدن به آغاز اجرای بخش‌های گوناگون چهل‌ویکمین جشنواره تئاتر فجر، «گیشه۷» به‌عنوان سامانه فروش بلیت این رویداد نمایشی انتخاب شد. علاقه‌مندان به تماشای آثار جشنواره برای تهیه بلیت می‌توانند با مراجعه به این سایت اقدام به خرید بلیت آثار این دوره از جشنواره کنند.

همچنین بخش رادیو تئاتر جشنواره ۴۱ تئاتر فجر از امروز ۲۵ دی در تماشاخانه مهر حوزه هنری آغاز خواهد شد و میزبان علاقه‌مندان این بخش به‌صورت مهمان خواهد بود. در این بخش ۱۳ نمایش رادیویی با مدیریت «امین رهبر» اجرا خواهد شد. اجراهای این بخش از روز یکشنبه ۲۵ دی‌ماه ساعت ۱۴ در تماشاخانه مهر حوزه هنری با نمایش «بوکه من» به کارگردانی طاهره شاددل از بجنورد آغاز می‌شود و تا ۳۰ دی‌ماه ادامه خواهد داشت. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سایت «گیشه۷» به نشانی ir/tfestival.gisheh۷ نسبت به تهیه بلیت این اجراها (به‌صورت مهمان) اقدام و به تماشای این آثار بنشینند.لازم به یادآوری است، روز ۲۷ دی نیز از پوستر چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر رونمایی خواهد شد. این مراسم همراه با نشست خبری دبیر جشنواره در سالن رودکی برگزار می‌شود.

گفت‌وگو با نادر فلاح؛ از بازیگری تا کارگردانی نمایشی درباره دهخدا

دغدغه‌های امروز مردم در «پرده‌خانه»

نادر فلاح این روزها در تالار شهرزاد در نمایش «پرده‌خانه» نقش سلطان را در کنار نورا هاشمی، علیرضا ناصحی و... بازی می‌کند. او همچنین در سال جاری دو نمایش دیگر را بازی کرده است. باید بدانیم که فلاح چهره سرشناسی در تئاتر، سینما و تلویزیون است. او از سال ۶۸ در کرمان بازی در تئاتر را آغاز کرد و با فیلم «چند کیلو خرما برای مراسم تدفین» به صورت جدی وارد عرصه سینما شد. وی با فیلم «چند متر مکعب عشق» بیشتر مورد توجه قرار گرفت و با بازی قابل توجه خودش توانست جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جشن خانه سینما را دریافت کند. فلاح در سال ۹۵ با دو فیلم در سی و پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت و نامزد جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد. وی دارای تحصیلات لیسانس ادبیات نمایشی (۱۳۷۸) از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی تهران و فوق‌لیسانس کارگردانی نمایش (۱۳۹۰) از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران است. با نادر فلاح درباره آخرین کارهای تئاتری‌اش گفت‌وگو کرده‌ایم، ضمن آن که او قصد دارد در ابتدای سال جدید، نمایشی را با موضوع زندگی علی‌اکبر دهخدا کارگردانی کند.

سحر سلطانی
گروه فرهنگ و هنر

برداشت نخستی که از پرده‌خانه داشتید، چه بود؟

در اولین مواجهه پرده‌خانه، نمایش بسیار سختی برای من بود و تا پایان هم خواهد بود، به ویژه در بخش زبان. معمولا کارهایی که به من پیشنهاد می‌شود بر اساس دیالوگ‌هایی با ساختار زبان روزمره بنا شده و بیان این گونه دیالوگ‌ها سهل و آسان است، از این جهت که بازیگر خیلی نگران شکسته‌شدن کلمات و پایین‌بودن صدا و حتی فراموش‌کردن بعضی واژه‌ها نیست و به راحتی با چند ترفند می‌تواند اشتباهاتش را لاپوشانی کند؛ ولی زبان نمایشنامه پرده‌خانه به نوعی نثر مسجع و آهنگین است که وزن و ردیف و قافیه‌های خودش را دارد و از طرفی خود واژه‌ها هم، ویژه و برساخته از پژوهش در زبان کهن فارسی است و چیدمان کلمات در ساختار جمله هم ویژگی‌های خود را دارد که همه اینها کار را برای بازیگر بسیار سخت می‌کند. البته بازیگر خواب‌زده و راحت‌طلب را هم بیدار و هوشیار می‌کند که سخن‌گفتن بر صحنه را امری عادی مثل حرف‌زدن در کوچه و خیابان نداند. به نظرم دیدن هر نمایشنامه از بیضایی، حکم شرکت‌کردن در یک کارگاه آموزش زبان فارسی است، حالا جنبه‌های روشنگرانه دیگر این آثار بماند.

چگونه برای اجرای نقش سلطان انتخاب شده‌اید؟

پیش از این هم برای نمایش دعوت شده بودم که متاسفانه به دلیل همزمانی با کارهای دیگر مجال حضور پیدا نکردم تا این که اجراها شروع شد و سعید چنگیزیان عزیز که نمی‌توانست بیش از ۳۰ اجرا حضور داشته باشد و از قبل هم اعلام کرده بود از گروه جدا شد و من با حدود ۱۵ جلسه تمرین به گروه پیوستم.

تعامل شما با خانم گلاب آدینه برای رسیدن به نقش چگونه بوده است؟

از همان ابتدای تمرین‌ها تمام تلاشم را کردم تا یک بازیگر فرمان‌پذیر و کاملا در خدمت کارگردان باشم؛ چون به هرحال خانم آدینه و سعید چنگیزیان زحمات اصلی ساخت و ساز این نقش را کشیده بودند و انجام دقیق آنچه ساخته و پرداخته شده بود، می‌توانست سریع‌ترین راه رسیدن به نقش در این زمان کم باشد و تجربه بسیار ارزشمندی هم بود که بارها درباره این تجربه با خود خانم آدینه و دیگران صحبت کرده‌ام. نکته مهمی که از این تمرین کوتاه‌مدت و دشوار آموختم این بود که چقدر در تولید یک اثر نمایشی زمان تلف می‌شود، چون بازیگرها در مقابل پیشنهادهای کارگردان مقاومت می‌کنند یا اساسا کارگردان برای بازیگرانش هیچ پیشنهاد موثری ندارد.

اما در این همکاری من با دو بازیگر درجه یک یعنی خود خانم آدینه و سعید چنگیزیان مواجه بودم و فقط کافی بود تا در برابر تجربه و زحمت آنان برای ساخت و ساز این نقش مقاومت نکنم و خلاقیت‌های فردی خودم را به بعد از انجام تمام و کمال پیشنهادهای کارگردان قرار دهم.

در زمان تمرین‌ها با دیگر بازیگران چگونه از موانع گذر کرده و به بده‌بستان‌های درست رسیده‌اید؟

من با بازیگرهای دیگر نمایش فقط دو یا سه جلسه تمرین کردم و باقی تمرینم با خود خانم آدینه بود که دیالوگ‌ها را می‌خواندند و اعمال و رفتار بازیگران مقابلم را توضیح می‌دادند و گاهی هم بازی می‌کردند، اما در طول اجرا همه بازیگران رابطه بسیار خوبی با من داشتند و من اصلا احساس این که یک تازه‌وارد هستم را نداشتم و در اجراهای اول هم که به نوعی اجرای ژنرال برای من محسوب می‌شد، همه بازیگران حواس‌شان به من بود تا اگر اشتباهی داشتم یا دیالوگی را فراموش کردم، کمک کنند که همین طور هم شد و در دو اجرای اول، یکی دو دیالوگ فراموش‌شده با کمک بازیگران دیگر جبران شد.

آیا در جریان تمرین و بازی سعید چنگیزیان که پیش از شما همین نقش را بازی کرده، بوده‌اید؟

خیر. من بعد از حدود ۱۰ جلسه تمرین که همه دیالوگ‌ها را حفظ شدم و با بازیگرهای دیگر هم یک‌بار میزانسن‌ها را در محل تمرین انجام دادم و تقریبا ساختمان کلی نقش را با راهنمایی خانم آدینه درآوردم، به تماشای نمایش رفتم و بازی سعید را یک‌بار بر صحنه دیدم و تقریبا یک هفته بعد هم نقش را بازی کردم.

احساس خودتان در شب اول بازی پرده‌خانه چگونه بود و هر شب این احساس را چگونه تقویت کرده‌اید؟

یکی از پراضطراب‌ترین شب‌های بازی من در یک نمایش بود، چون تمرین کم و نداشتن یک اجرای ژنرال تمام و کمال بسیار نگرانم کرده بود. حتی یک لحظه از نمایش ذهنم سفید شد که علیرضا ناصحی عزیز یا خانم نورا هاشمی- حالا دقیق به خاطر ندارم- به دادم رسیدند. یکی از کابوس‌های من این است که روی صحنه می‌روم درحالی‌که اصلا نمی‌دانم چرا اینجا هستم و چه چیزی باید بگویم، این کابوس خیلی از بازیگرهاست و لحظات فراموشی دیالوگ، لحظات جهنمی است.

بازی در متون تاریخی از چه ویژگی‌ها و برجستگی‌های خاصی برخوردار است؟

همه چیز در کار تاریخی متفاوت است؛ از لباس و دکور و رفتار گرفته تا لحن و جزئیات گفتار. به نظرم کار کردن در آثاری مثل پرده‌خانه برای بازیگر ایرانی واجب و ضروری است؛ چون به قدری روی کیفیت بیان و تمرکز بازیگر تاثیر می‌گذارد که بعد از آن بازی‌کردن در نقش‌های دیگر برایش آسان‌تر می‌شود.

پرده‌خانه برای شما چه بازتابی را به دنبال داشته است؟

خوشبختانه نقش سلطان مورد پذیرش تماشاگر واقع شده و واکنش‌های مثبتی را پس از اجرا دریافت می‌کنم و خود نمایش هم مورد استقبال تماشاگران قرار گرفته چون مسائل و دغدغه‌های امروز مردم ایران را بازگو می‌کند.

شما امسال افزون بر پرده‌خانه در دو نمایش دیگر نیز بازی کرده‌اید، تفاوت در این نقش‌ها چگونه بوده است؟

متون دو نمایش دیگر خارجی بود، یکی نمایش «تب» نوشته والاس شان که یک نمایش تک‌نفره بود و «اوج طوفان» نوشته فلوریان زلر که هرکدام‌شان دنیای ویژه خودشان را داشتند و اگر بخواهم درباره تفاوت‌های‌شان چیزی بگویم خودش یک مصاحبه کامل است.

ولی برای من همین تفاوت‌ها عجیب و جذاب است، انگار از دنیایی به دنیای دیگر سفر می‌کنم.

بازی در تئاتر چه حسنی دارد که همچنان با تاکید در آن حضور دارید؟

جدا از جنبه‌های بسیار ارزشمند هنری و فرهنگی و فایده‌های بسیار ضروری که تئاتر برای جامعه دارد و لازم است که بازیگران هرگز تئاتر را فراموش نکنند، چون یک وظیفه اجتماعی و فرهنگی است که باید به آن وفادار و متعهد باشیم؛ به نظرم بازی در تئاتر برای بازیگر مثل حضور مداوم یک ورزشکار حرفه‌ای در تمرین‌های آماده‌سازی است که اگر در آنها حضور نداشته باشد، کیفیت کار حرفه‌ای پایین می‌آید و به مرور زمان، بازیگر به جای آن که هربار هنرش را تازه‌تر و پرانرژی‌تر و زیباتر به نمایش درآورد، دست به دامن ترفندهای تکراری می‌شود که ارزش هنرش را در تماشاگر پایین خواهد آورد.

برش

علی‌اکبر دهخدا فردوسی معاصر

نمایشنامه‌ای به نام «در آستانه» نوشته امیرحسین طاهری که توسط انتشارات نمایش در سال ۹۹ چاپ شده را قرار است کارگردانی کنم و این نمایش را در فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۲ به همراه یک گروه جوان در تالار مولوی روی صحنه به اجرا درآورم. این نمایشنامه یکی از بهترین آثار نمایشی نویسنده‌های ایرانی است که در این سال‌ها خوانده‌ام و بسیار مشتاق اجرای آن هستم. نمایشنامه‌ای با محوریت علامه علی‌اکبر دهخدا که حق بزرگی بر گردن فرهنگ این سرزمین دارند و از ایشان به عنوان فردوسی معاصر یاد می‌کنند، چرا که کار سترگ ایشان در تالیف امثال و حکم و لغت‌نامه، زبان فارسی را بار دیگر به جایگاه ارزشمند خود رساند. امیدوارم به شایستگی ساخته و پرداخته شود و مورد استقبال مردم ایران و اهالی فرهنگ و هنر قرار گیرد.

نقد صحنه

نقدی بر نمایش عقاب، کار ناصر آویژه

پستی و بلندی زندگی

رضا آشفته
فرهنگ | منتقد

نمایش عقاب درباره پستی و بلندی زندگی است که ناصر آویژه آن را بر پایه شعر «عقاب» پرویز ناتل‌خانلری نوشته و در تلفیق با نمایش صحنه‌ای و عروسکی، کار شده است. نمایشی کوتاه، مینی‌مالیستی و بداهه‌پردازانه که می‌خواهد تماشاگر را متحیر گرداند از آنچه هنر ناب و دست نیافتنی است.

همان‌طور که در شعر، عقاب مفتون عمر بلند کلاغ می‌شود، به دنبال دگرگونی است و مهمان حرف‌ها، خانه و شیوه زندگی او می‌شود اما در می‌یابد کلاغ شاید عمر درازش به چشم آید اما زندگی پست و خوارش در خوردن مردار و پسمانده این و آن، چندان نیز جالب نیست و از این دگرگونی چشم می‌پوشد و به همان عمر کوتاه و در اوج پرواز کردن، تکیه می‌کند.

در اینجا نیز شاگرد که هنرمند نوپا و دنبال سود جویی است، می‌خواهد استاد صمیمی را راضی کند که برای آقای اکبری، تهیه‌کننده کار کند اما استاد صمیمی، تن به شرایط فرمایشی نمی‌دهد و همچنان به سختی و بیماری عمر کوتاهش را سپری می‌کند و بر این باور است که هنرمند از جایگاه رفیعی چون عقاب برخوردار است و نباید مانند کلاغ حریص و پست باشد.

ناصر آویژه در یک فضای تلفیقی با چند تیر و تخته و پارچه، یک کوه و درخت می‌سازد و به کمک شاگرد و استاد نقاش که نوازنده تار نیز است نمایش خود را در گوشه‌ای از یک پارک برپا می‌کند که تماشاگرانش را جذب این بداهه گران قیمت کند و او که بیمار است، نمی‌خواهد تن به استراحت بسپارد بلکه در دقایق آخر نیز به دنبال خلق هنر است. این نوع کنش‌مندی در هنر بسیار جالب و تاثیرگذار است با آن‌که نمایش بسیار معجز و زودگذر است. آویژه می‌داند چگونه معرکه بگیرد و در این بازی برگ برنده را رو کند. اما شاید پاره‌ای از نکات بتواند این نمایش نیمه‌موزیکال را تاثیرگذارتر کند و از آنجا که هنر عروسک‌سازی و بازی‌دهندگی عروسک‌ها چشمگیر است. عروسک کلاغ چندان جاذبه‌ای ندارد با آن‌که باید در جایگاه پایین‌تری نسبت به عقاب قرار گیرد و در عین حال توجه به صدای کلاغ نیز می‌توانست جاذبه‌های شنیداری اثر را بالاتر ببرد و درنگ تماشاگر نسبت به شخصیت منفی جذاب‌تر شود. همچنان که در نوشتار نیز ناصر آویژه می‌توانست فراتر از شعر ناتل‌خانلری برای ایجاد کشمکش، فراز و نشیب بیشتری به کنش‌مندی‌های عقاب و کلاغ دهد که از این حالت نسبتا تخت بیرون آید و بتواند با تصاویر و لحظات نمایشی، مخاطب را میخکوب کند. همان‌گونه که نمایش، نیمه‌موزیکال است و با تکیه بر یک شعر کلاسیک ایرانی اجرا می‌شود، موسیقی ایرانی لحظات شیرین و جذابی را برای ایجاد فضا دربر دارد و می‌تواند برای کنش‌های شخصیت‌ها نیز واگویه‌گر درون و برون آنان باشد. این نوع موسیقی، جاذبه نمایشی دارد و در کل تاثیر زیادی بر تماشاگر می‌گذارد. درکل، نمایش عقاب برای مخاطب بزرگسال جذاب است اما می‌توانست با جاذبه‌های تصویری و موسیقایی بر جذب مخاطبان نوجوان نیز تاکید کند که درحال حاضر از این نوع پردازش غفلت شده یا با تاکید بر مخاطب بزرگسال همه چیز برای جلب و جذب آنان در نظر گرفته شده است. به هر تقدیر، دیدن شعر عقاب در صحنه و در تلفیق با دنیای عروسک‌ها جذابیت خاص خود را خواهد داشت.

پیشخوان

۳ کتاب آموزش تئاتر جدید به بازار نشر آمد

کتاب‌های «الفبای بازیگری»، «اصول و فنون شخصیت‌شناسی در تئاتر»، «روش تحلیل متون نمایشی» سه عنوان از آثار ایرج افشاری اصل هستند که توسط انتشارات طراحان تین چاپ و منتشر شده است.

الفبای بازیگری، کتابی برای آغاز یادگیری تدریجی و اصولی هنر بازیگری است و به این سؤال مهم که بازیگری چیست، پاسخ می‌دهد. اولین سؤالی که به ذهن هرکسی درخصوص بازیگری مطرح می‌شود، همین سؤال است. بازیگری چیست؟

کتاب اصول و فنون شخصیت‌شناسی در تئاتر در مورد مطالب اصلی و مهم شخصیت در تئاتر و راه‌های رسیدن به آن است. در این کتاب سعی شده است علاوه بر معرفی راه‌های شناخت شخصیت متون نمایشی، بازیگر را برای رسیدن به نقش و طراحی و ارائه آن کمک کند و سومین عنوان از این سری کتب روش تحلیل متون نمایشی است. تجزیه و تحلیل جریانی صددرصد عقلانی است. تجزیه و تحلیل به جز شناختن، درک کردن و احساس کردن، کشف ماورای متن، زیرمتن، خلاصه این‌که ماورای کلامی را که پشت کلمات متن پنهان هستند، استخراج کرده و جان می‌بخشد.

روی صحنه

اجرای نمایش «جان‌فدا» تمدید شد

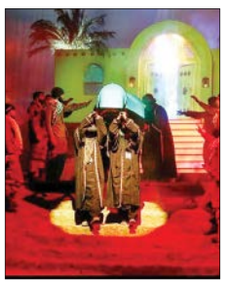

نمایش میدانی «جان‌فدا» به مدت سه شب تمدید شد و تا ۲۸ دی در بوستان ولایت تهران روی صحنه می‌رود.

نمایش میدانی جان فدا که کار خود را از ۸ دی شروع کرد، سیری در زندگانی پربرکت مرد خستگی‌ناپذیر میدان‌های جهاد، سردار سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی است و هر شب ۲۰۰۰ نفر به تماشای آن می‌نشینند. این اثر به مدت سه شب تمدید و تا ۲۸ دی در بوستان ولایت تهران روی صحنه می‌رود. جان فدا به تهیه‌کنندگی علی اسماعیلی و کارگردانی حسن بزرا، محصول مکتب «حاج قاسم» و سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که توسط موسسه هنری رسانه‌ای سیمای قفنوس اجرا می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه و رزرو بلیت رایگان به سامانه NAMATICKET.IR مراجعه کنند.

امیرحسین طهرانی (مجری طرح)، داود طامهری (مدیر تولید)، عباس رحمانی‌پور (طراح نور)، مرتضی پورحیدری (طراح صحنه و دکور)، عرفان حسن‌زاده (طراح صدا)، امید دهقان (مجری دکور)، کاظم غیاثوند (مجری صحنه)، یاسر یارمحمدی (طراح جلوه‌های ویژه میدانی) و تورج سلیمانی (مدیر تدارکات) دیگر عوامل این اثر نمایشی هستند.

قاب

«دروغ» در پردیس تئاتر شهرزاد

گروه نمایش کیمیاگران هنر در نظر دارد نمایشنامه «دروغ» نوشته فلوریان زلر و ترجمه محمود گودرزی را از ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه در سالن شماره ۳ پردیس تئاترشهر روی صحنه ببرد.

کارگردان و دراماتورژ این نمایش که از ۲۵ دی تا ۱۸ بهمن روی صحنه است، سیاوش مهندسی است و آرزو حاتمی، مهدیه محمدی، طاها شادفر و سیاوش مهندسی درآن ایفای نقش می‌کنند.

در این نمایش، نویسنده‌ای در تلاش است شکاف بین واقعیت و دروغ را عیان کند.